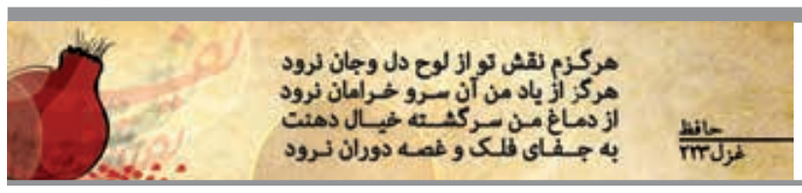

دنیا به روایت تصویر

مسابقه نمادین یک فراری با یک ارابه سوار در ایتالیا، عکس از خبرگزاری فرانسه

حرکت جالب یک زرافه برای خوردن برگ در باغ وحشی در استرالیا! عکس از گاردین

تلاش دروازه بان برای مهار توپ به هر قیمتی در لیگ برزیل، عکس از خبرگزاری فرانسه

آیات نور

شروع باتقوا شدن با حفظ چشم

حجت الاسلام قرائتی در تفسیر آیه ۳۰ سوره نور با این مضمون که: «به مردان مومن بگو چشمان خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاک ماندن آنان بهتر است. خداوند به آن چه انجام می‌دهند آگاه است.» نکاتی را بیان کردند که در ادامه می‌خوانید:

۱- لازمه ایمان، حفظ نگاه از نامحرم است. ۲- جاذبه‌های غریزی را باید کنترل کرد. ۳- گناه را از سرچشمه جلوگیری کنیم و تقوا را از چشم شروع کنیم. ۴- چشم پاک، مقدمه پاکدامنی است. ۵- پاکدامنی برای مردان نیز لازم است. ۶- چشم چرانی و بی عفتی مانع رشد معنوی انسان است. ۷-همواره در محضر خدا هستیم، در محضر خدا معصیت نکنیم.

برگرفته از «تفسیر نور»

پند نیکان

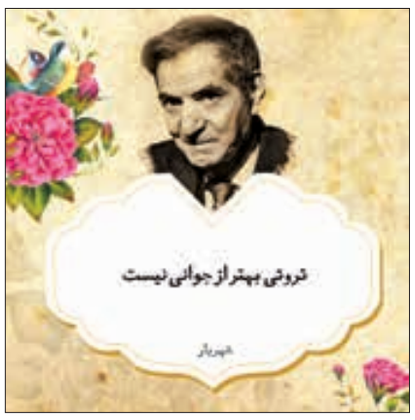

ریشه ضرب المثل

نه سیخ بسوزد، نه کباب

شجاع السلطنه پسر فتحعلی شاه، مدتی حاکم کرمان بود. اسم کوچکش حسنعلی میرزا بود. او در کرمان تجربه کرده و متوجه شده بود که ترکه‌های نازک انار می‌تواند کار سیخ کباب را بکند و کباب بر سیخی که چوبش انار باشد خوشمزه‌تر هم می‌شود. برای همین پخت کباب با چوب انار را باب کرد که در کرمان به «کباب حسنی» معروف شد و حاکم وقتی میل کباب داشت به نوکرها می‌گفت: «طوری کباب را بگردانید که نه سیخ بسوزه نه کباب.» این دستور او به صورت ضرب المثل درآمد و برای توصیه به میانه‌روی و اعتدال در کارها توسط مردم به کار می رود.

تارنمای یکی بود

داستانک

دو رفیق که یکی اش خوب نبود!

دو رفیق از جنگل می گذشتند. ناگاه خرسی بر سر راه آن ها پیدا شد. یکی از آن دو گریخت، از درخت بالا رفت و آن جا پنهان شد. دیگری نتوانست از درخت بالا برود، چه می توانست بکند؟ بر زمین افتاد و خودش را به مردن زد. خرس نزدیک شد و او را بوییدِ. پسرک، نفس را در سینه حبس کرد. خرس مدتی او را بوییدِ، اما به خیال این که مرده است او را رها کرد و دور شد. وقتی خرس در میان درخت ها ناپدید شد، رفیقش از درخت پایین آمد و خندان پرسید: خرس در گوش تو چه گفت؟ دوستش گفت: خرس در گوش من زمزمه کرد کسانی که دوستان خود را به هنگام خطر تنها می گذارند، دوستان خوبی نیستند.

فتو نکته

اندکی صبر

قاعده عشق!

برای آن چه که دوستش داری
از جان باید بگذری؛
بعد
می‌ماند زندگی
و آن چه که دوستش داشتی ...

شمس لنگرودی

دور دنیا

ویزیت بیماران خجالتی با ماسک!

شانگهای نیوز/ یک دکتر تایلندی برای اینکه برای همیشه خیال بیماران خجالتی اش را از معاینه راحت کند، برای آن ها ماسک تهیه کرده است و خودش هم در هنگام صحبت با مریض از این ماسک استفاده می کند! او می گوید معمولا خانم ها از گفتن بیماری و درمان و معاینه خجالت می کشند و او برای اینکه بتواند بیمارانش را بهتر درمان کند این ماسک ها را تهیه کرده است. حالا بیماران به راحتی و بدون خجالت از مشکل شان صحبت می کنند و او با اطلاعات بیشتری می تواند درمانشان کند.

کوچه پوشیده از در بطری نوشابه!

آدیتی سنترال/ کوچه ای در نزدیکی یکی از دانشگاه های تگزاس در آمریکا تبدیل به یکی از جاذبه های توریستی این شهر شده است! این کوچه که به «تپه در بطری» شهرت دارد، با در بطری های نوشابه و انواع نوشیدنی ها پوشیده شده است. هیچ فردی دقیقا نمی داند که چطور این کوچه ۵۰ متری محل انباشته شدن در بطری شده است اما مردم همچنان در بطری نوشابه هایشان را برای ریختن در این مکان ذخیره می کنند!

دانشمند چینی خودش را به برق وصل کرد!

دیلی میل/ سال هاست که دانشمندان اعلام کرده اند بیشترین مقدار الکتریسیته ساکنی که می تواند از بدن انسان عبور کند و باعث مرگش نشود، ۵۰ هزار ولت است اما یک دانشمند چینی به نام «لیو شانگشه» برای اینکه ثابت کند این مقدار بیشتر است، ۷۱ هزار ولت الکتریسیته ساکن را از بدنش عبور داد و هنوز زنده است! او بعد از ۵۰ سال کار کردن بر روی نظریه اش بالاخره توانست با آزمایش بر روی بدن خودش، نتیجه تحقیقاتش را به اثبات برساند!

هنرنمایی بر روی قهوه!

آدیتی سنترال/ نوشیدنی لاته آرت یا همان هنرنمایی بر روی قهوه در کشور کره بسیار محبوب شده است و هنرمندان هر روز خلاقیت شان را برای تهیه یک لاته آرت جدید محک می زنند اما در این میان «لی کانگ بین» پسر جوانی که در یکی از کافه های معروف این کشور کار می کند، با خلق لاته آرت هایی که تصاویری از نقاشی های «ون گوگ» یا شخصیت های کارتونی روی آن ها نقش بسته است، حسابی در شبکه های اجتماعی معروف شده است. او با استفاده از رنگ خوراکی این تصاویر را ایجاد می کند.

بریده کتاب

کمال محدودیت نمی‌شناسد

جاناتان، تو زمانی موفقیت حقیقی را لمس می کنی که به کمال سرعت دست یابی و این به معنای پرواز با سرعت هزار مایل یا یک میلیون مایل در ساعت نیست، چرا که عدد خودش محدودیت است و کمال محدودیت نمی‌شناسد. فرزندم، کمال سرعت به معنای بودن و رسیدن به آن جاست.

برگرفته از کتاب«جاناتان مرغ دریایی» اثر ریچارد باخ

تاکسی گل آرایی شده که در روز نیمه شعبان، مسافران را صلواتی جابه جا می کرد

Like Comment

- وضعیت نمایشگاه کتاب فاجعه آمیزه، همه نون باگت ها خشک، هات داگ ها سوخته ، قیمت ساندویچ ها دو برابر، این زنگ خطری برای فرهنگ جامعه است!
- گرما اگر خوب بود و شعور داشت، مثل سرما در رو که میبستی، تو نمیومد!
- میان ترم ها خیلی خوب میشد اگر جواب آخر مهم نبود، راه حل هم مهم نبود، کلا مهم نبود!
- مار های زنگی وقتی می خوان به هم علامت بدن، تک زنگ میزنن!
- خود مرحوم بروسلی رقص پا رو وقتی اومد ایران از این شاطر نون لواشی ها یاد گرفت، اون وقت ایرانی ها میرن کلاس کونگ فو!
- ماهی ۱۰۰ تومن پول نت میدیم، مامانم از اینستاگرام دستور پخت غذاهای ارزون قیمت رو یاد بگیره!
- دیشب نت قطع بود کلی کار کردم. ظرف ها رو شستم و خونه رو جارو کردم. دیگه می خواستم دو تا کودک آفریقایی رو هم به سرپرستی قبول کنم که نتم وصل شد!
- ولی من میخوام آخر عاقبت اون نابغه‌هایی که تو فوتبال موقع پنالتی زدن میومدن تو گوشم زمزمه میکردن گوشه بزن نمیتونه بگیره چی شد!
- کاش حالا که قراره موهامون بریزه، دورش میریخت روش پر پشت‌تر میشد پول آرایشگاه هم نمی‌دادیم!

Like Comment

این کیه؟

خیلی تابلو بود!؟

سلام. ۷۵۱ شرکت کننده در مسابقه این هفته شرکت کردن که از ابتدای سال، یک رکورد برای خودش به حساب میاد. شاید باورتون نشه که ۷۵۰ نفر از شرکت کنندگان، پاسخ صحیح رو برای ما فرستادند یعنی ۹۹/۸۵ درصد شرکت کنندگان «مهران مدیری» رو به درستی تشخیص دادن و فقط یک نفر، پاسخ رو اشتباه فرستاده بود که متن پیامک اون رو هم پنج شنبه چاپ کردیم. اگر نخوندید، جالبه بخونید: «یعنی وای به حال فردی که ندونه کاریکاتور این هفته، چهره مجری دورهمی «احسان علیخانیه»! با این حال و طبق قرعه‌کشی، برنده این هفته مون خانم «عسل عزیزی» از مشهد هستند که بهشون تبریک می‌گیم. عکس و کاریکاتورشون رو می‌تونین چهارشنبه همین هفته همراه با مسابقه بعدی ببینید. تا چهارشنبه.

افسانه نوین

بهترین خوراک پادشاه

روزی پادشاهی در قصرش روی تخت سلطنتی نشسته بود و از زور بیکاری چرت می‌زد. معمولا در افسانه‌های قدیم همه پادشاهان مشغول بیکاری بودند و چرت می‌زدند و برای این که حوصله‌شان سر نرود چیزی می‌خوردند. از این سر به آن سر سفره پهن می‌کردند و به جز عمارت‌ها و لنگه کفش‌های زیر دریا و بادبادک‌ها، هرچه روی زمین و زیر آب و توی هوا بود را شکار می‌کردند و می‌چیدند و می‌پختند و دم می‌کردند و می‌خوردند. مثل الان نبود همه رژیم داشته باشند و خام و گیاهی و بخارپز بخورند. آن زمان همه چرب و شیرین و سرخ کردنی می‌پسندیدند. همان روزی که ذکر خیرش در اول افسانه بود، پادشاه وقتی پای سفره لم داد، چشمش افتاد به شی سیاهی که توی ظرف چیده بودند. با تعجب از وزیرش پرسید این چیست؟ وزیر در پاسخ افزود: «بادمجان است قربان.» پادشاه با ترس دست برد و لقمه‌ای کند و خورد. خوشش آمد و افزود: «به‌به». وزیر بلافاصله افزود: «این خوراک بهترین خوراک دنیاست.» پادشاه خوشش آمد و یک دیس را مثل چی خورد. چند ساعتی که گذشت بادمجان‌ها اثر کردند و دست به دست هم دادند و پادشاه را از پا انداختند. پادشاه در حالی که داشت جانش در می‌رفت افزود: «خدا بگم چی کارت کنه وزیر اعظم، این لعنتی چی بود که به خورد من دادید؟» وزیر که جانش را در خطر می‌دید افزود: «این بادمجان یکی از بدترین و پرضررترین خوراک‌های روی زمین است قربان.» پادشاه در حالی که طبیب بالای سرش نشسته بود و با شاخ گاو ضربان قلبش را می‌شنید و از آهنگ دلنشین قلب سرورش لذت می‌برد، رو به وزیر افزود: «چطوره که اول گفتی این بهترین غذاست و الان میگی بدترین غذا؟» وزیر که به لکنت افتاده بود افزود: «ق ق... قربان، من وزیر شما هستم، نه وزیر بادمجان...»! پادشاه در حالی که طبیب را به کناری هل می‌داد و نزدیک بود شاخ گاو به گوشش فرو برود، شمشیر از نیام برکشید و به سمت وزیر حمله کرد و وی را مانند بادمجان به دو نیم مساوی تقسیم نکرد. چرا که همان حرکت ناگهانی باعث شد حالش خوب بشود و از تقصیر بادمجان و وزیر بگذرد. این طوری بهتر هم شد، چون نمی‌شد آخر افسانه ما خشن باشد!

علکساندر کاربراتور

ما و شما

* پرونده انتظار خوب بود. ممنون. به خصوص ۲ تا مصاحبه. فقط کاش جدا می زدید مصاحبه ها رو. این جوری که یکی کرده بودید، سخت خونده میشد.
* چای اصل ایرانی رو از کجای مشهد می شه تهیه کرد؟ اگه می شه اسم چند تا از این چایی های خوب رو بگین.
* در مطلب شبکه های اجتماعی، اون (مامانم داشت از لوازم برقی ...) تکراری بود. بیشتر دقت کنید.
* من علیرضا معینی هستم. می خواستم بگم اگه میشه ترسانک ها رو بیشتر کنید. ممنون
* در عکس شکار لحظه خمیازه کشیدن در صفحه آخر زندگی سلام، اسم کشور را اشتباه نوشتید. هیچ کدام فیلیپینی نیستند. معرکه هستید.

ما و شما: ممنون از دقت نظر شما. آن ها انگلیسی هستند و در حالت آماده باش برای ورود یک مسئول فیلیپینی به کشورشان.

* در اون عکس شبکه های اجتماعی مربوط به اوج خلاقیت بستنی، اگر افقی عکس می گرفتین، درست میشد.

مینا ظفرنژاد

* خیلی ببخشید ولی عکس آشپزی صفحه سلامت افتضاح بود. نباید یک عکسی چاپ کنید که آدم ترغیب بشه اون غذا رو درست کنه؟
* نگار عزیزم، خواهر خوشگلم. بیست و پنج اردیبهشت سالروز تولدت مبارک. دوستت دارم.

ندا جاودانی

*همسر عزیزم زینب جان وجودم فدای یک لبخندت و پسرم «محمدطاها». همسرم عزیزم، پیشاپیش تولدت مبارک.

همسرت مهدی زمان

*پسر گل و با محبتم «محمدطه میری مقدم»، ۲۸ اردیبهشت تولدت مبارک. امیدوارم کنار مامان فداکارت و خواهرجون مهربونت همیشه سالم و موفق باشی.

پاسخ خفن استریپ شماره قبل: نوسازی - انسداد - گلخانه

سرنقطه